

اخبار و گزارش های کارگری 30 تیرماه 1402

- ادامه جمعه های اعتراضی اهالی سیستان و بلوچستان با راهپیمایی سکوت در شهرزاهدان
- عباس دریس، باید فوری و بی قید و شرط آزاد شود!
- کانون صنفی معلمان استان بوشهر احکام صادره علیه سارا سیاهپور را فاقد وجاهت قانونی می داند
- صدور قرار جلب دادرسی برای چهار نفر از اعضای کانون صنفی معلمان گیلان
- تعلیق دو استاد دانشگاه
- برندینگ عالی، با مدیریت جهادی!
- اعتراض بی اعتراض!
- بیانیه کانون نویسندگان ایران
- در بیست و سومین سالگرد درگذشت احمد شاملو، یاد شاعر بزرگ آزادی را گرامی می داریم

- *ادامه جمعه های اعتراضی اهالی سیستان و بلوچستان با راهپیمایی سکوت در شهرزاهدان
- فیلم منتشره در کانال منابع خبری محلی، حاکی از ادامه جمعه های اعتراضی اهالی سیستان و بلوچستان با راهپیمایی سکوت در شهرزاهدان می باشد.
- این منابع دلیل شعر ندادن و اعتراض سکت را آغاز ماه محرم اعلام داشتند.
- *عباس دریس، باید فوری و بی قید و شرط آزاد شود!

ما کارگران ارکان ثالث، اتهامات منتسب به عباس دریس، کل فرآیند دادرسی قضایی و حکم صادر شده بر علیه او را باطل میدانیم. فرآیند دادرسی این کارگر زندانی شاهد کشتار مردمی آبان ۹۸ در نیزارهای اطراف ماهشهر، تحت شکنجه و اعترافات اجباری بوده، حکم اعدام بر علیه عباس دریس تنها با هدف حذف او صادر گردیده است.

ما کارگران ارکان ثالث، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط کارگر زندانی #عباس_دریس و بازگشت فوری او به خانه در کنار فرزندان چشم انتظارش هستیم.

ما همچنین اعلام میکنیم اعدام، قتل از نوع حکومتی آن است. ما کارگران ارکان ثالث خواهان لغو فوری قانون مجازات ضد انسانی اعدام، آزادی بی قید و شرط همه کارگران شرکت کننده در اعتصابات کارگری و کلیه زندانیان سیاسی هستیم، نسبت به این خواسته ها هشدار می دهیم و پیگیر این خواسته ها خواهیم بود.

همه ما #عباس_دریس هستیم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت(ارکان ثالث)

۳۰ تیر ماه ۱۴۰۲

***قانون صنفی معلمان استان بوشهر احکام صادره علیه سارا سیاهپور را فاقد وجاهت قانونی می‌داند**

حکم بدوی دادگاه تجدید نظر سارا سیاهپور، فعال صنفی معلمان، عیناً تایید و به شعبه ۱ اجرای احکام زندان اوین ارسال شد.

سارا سیاهپور، معلم و عضو کانون صنفی معلمان تهران و فعال صنفی البرز بابت اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی به پنج سال حبس تعزیری و تبلیغ علیه نظام به #یک سال حبس تعزیری، محکوم شد و همچنین به دو سال ممنوع الخروجی از کشور، دو سال ممنوعیت عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی و فعالیت در فضای مجازی نیز محکوم گردید.

بنا به گزارش شورای هماهنگی خانم سیاهپور در پروسه دادگاه از دسترسی به وکیل محروم بوده‌اند.

کانون صنفی معلمان استان بوشهر با توجه به شناخت کامل از این فعال صنفی، گواه قانونمداری و صنفی بودن فعالیت ایشان است.

از مسئولین امر می‌خواهیم بیش از این حقوق مشروع و مصرح مردم در قانون اساسی را پایمال نکرده و طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی دادگاه فعالین صنفی معلمان را بطور علنی با حضور هیات منصفه برگزار نمایند.

صدور این حکم سنگین برای معلمی آگاه و دلسوز از نظر ما محکوم است و خواستار مختومه شدن این پرونده هستیم.

کانون صنفی معلمان استان بوشهر

۳۰ تیرماه ۱۴۰۲

***صدور قرار جلب دادرسی برای چهار نفر از اعضای کانون صنفی معلمان گیلان**

طی حکمی که شعبه ۳ دادرسی عمومی و انقلاب رشت در تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۴۰۲ صادر کرد. برای تعدادی از اعضای کانون صنفی معلمان گیلان، آقایان تیمور باقری کودکانی، غلامرضا اکبرزاده باغبان، طهماسب سهرابی و حسین مهدی زاده، با استناد به مواد ۵۰۰ و ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی قرار جلب دادرسی صادر گردید.

به زودی گزارش کاملی از روند این پرونده منتشر خواهد شد.

کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

*تعلیق دو استاد دانشگاه

بر اساس گزارشات واصله، آقایان مهدی مطیع و محمد سلطانی، از اساتید باسابقه و دانشیار گروه الهیات دانشگاه اصفهان، توسط هیئت انتظامی و ریاست دانشگاه تعلیق شده‌اند. همچنین حقوق این اساتید نیز قطع شده‌است.

گفته می‌شود اتهام این دو استاد برجسته قرآن و نهج البلاغه، ضدیت با نظام و اسلام بوده‌است و مصداق آن، مطالب بیان‌شده در کلاس‌ها عنوان شده‌است. این اساتید درحالی تعلیق شده‌اند که هیچ حکم قضایی یا انتظامی برای آنان صادر نشده و حتی هنوز به اتهاماتشان رسیدگی نیز نشده‌است. دانشگاه تنها اتهاماتشان را ابلاغ کرده‌است.

با وجود آیین‌نامه‌های نادیدنی و فراقانونی که به برخی افراد اختیارات گسترده‌ای در دانشگاه‌ها می‌دهد، تعلیق اساتید برجسته تنها بر اساس گمانه‌زنی‌ها، دور از انتظار نیست. در کنار تعلیق دانشجویان در کمیته‌های انضباطی، تعلیق اساتید نیز ادامه دارد. نتیجه این روند، تهی‌شدن دانشگاه از هرنوع اندیشه و تضارب آراء است. جایی که تنها دانشجویان و اساتید خاص گزینش‌شده و آرام و بی‌دغدغه حضور خواهند داشت.

*برندینگ عالی، با مدیریت جهادی !

1- ریاست دانشگاه در شرح دلایل جذب نیروهای حشدالشعبی گفته است که درآمد حاصل را -که کم نیست - خرج تغذیه و زیرساخت‌ها می‌کنیم. گرچه نیازی به بازگویی نیست، این ادعا کذب است. ریاست دانشگاه در دو ترم گذشته چقدر به فکر ارتقای وضعیت دانشجویان و زیرساخت‌های دانشگاه بوده؟!

هنوز خبر مجازی‌کردن دانشگاه در ماه رمضان بدلیل رفع کسری بودجه در مجاری اطلاع‌رسانی دانشگاه موجود است. افزایش هزینه‌ی تغذیه بعد از مدت‌ها در سال گذشته رخ داد. همین دو ترم پیش بود که خبر رسید انگشت‌های یکی از دانشجویان پریس هنرهای زیبا حین کار با دستگاه برش معیوب دانشکده قطع شده‌است. وضعیت آشفته‌ی تهویه‌ی برخی دانشکده‌ها و دیگر مسائلی از این دست که تا همین چند هفته پیش درگیر آن‌ها بودیم. خوابگاه‌های این برترین دانشگاه کشور را دیده‌اید؟

جواب ریاست به این مشکلات چه بود؟! صرف هزینه برای گیت‌های ورودی، تاسیس خیمه‌های بدشکل در دانشگاه و برگزاری جشن‌های عزا و عروسی. اگر بودجه نیست پس باید برای همه نباشد و اگر هست چرا تا الان خرج این زیرساخت‌ها نشده و با فرض اینکه جذب نیروهای حشدالشعبی درآمد بسیاری روانه دانشگاه می‌کند، چه تضمینی هست که آن پول خرج زیرساخت‌ها و خدمات دانشجویی بشود؟!

2- در روند جذب، مضحکه‌ی ریاست و دارودسته‌اش به اوج خود رسید. طبق آیین‌نامه پذیرش دانشجوی غیرایرانی - غیربورسیه مصوب سال ۹۴ و نیز شیوه‌نامه‌ی پذیرش دانشجویان بین‌الملل در دانشگاه تهران، روند پذیرش دانشجو از مجرای معاونت آموزش واحد آموزشی دانشکده است که در شرایط خاص، شورای پذیرش دانشگاه عهده‌دار این مسئولیت خواهد بود. در هیچ بخشی از این سند،

ایجاد کمیته‌هایی برای تسریع در این روند پیش‌بینی نشده. هیچ کجای این تصمیم ریاست دانشگاه مطلقاً قانونی نیست.

3- نهایتاً بپردازیم به جمله‌ی طلایی ریاست جهادی دانشگاه! ایشان بیان داشته‌اند که: «در زمان التهابات سال قبل، کدام دانشجوی دانشگاه تهران در دانشگاه سرکوب شد؟!»

جناب دکتر روز سی شهریور سال ۱۴۰۱ موقع خروج از دانشگاه از خروج تعدادی از دانشجویان ممانعت به عمل آمد. این دانشجویها در اتاق حراست فیزیکی حبس شدند و بعد در داخل دانشگاه به نیروهای امنیتی تحویل داده شدند. این سرکوب نیست؟ چند روز بعد از جریان در مهر ماه دوباره دانشجویان را در این اتاق حبس کردید و با شوکر به جانشان افتادید. این سرکوب نیست؟ گراهایی که معاونان شما به امنیتی‌ها می‌دادند برای سنگین کردن پرونده‌های فعالین دانشجویی اسمش سرکوب است. کمیته‌های انضباطی عجیب و بی‌وقت و خارج از قوانین همین شیوه‌نامه‌ی ضد دانشجویی خودنوشته‌تان اسمش سرکوب است. اوباش یونیفرم‌پوش شما در سطح دانشگاه هر روز و هر ساعت مشغول سرکوب‌اند. اصولاً حضور شما با چنین سبک مدیریتی جهادی در مقام رئیس دانشگاه سرکوبی است که بالادستی‌های شما بر ما روا داشته‌اند.

فارغ از این مواردی که برشمارده شد، جذب گزینشی دانشجویان، آن هم جذب کسانی که مشخصاً شبه نظامی هستند و برای اهداف مشخصی گزینش شده‌اند، تبعات بسیار گسترده‌ای خواهد داشت که ریاست دانشگاه مسئول آن‌هاست.

***اعتراض بی‌اعتراض!**

درحالی که تنها چند روز از مصاحبه رئیس دانشگاه تهران مبنی بر پذیرش ۳۰ دانشجو از نیروهای حشدالشعبی و برنامه دانشگاه برای خرج درآمدهای حاصله در جهت رفع مشکلات دانشجویان می‌گذرد، در تازه‌ترین اقدام، دانشگاه تهران قیمت غذاهای سلف خوابگاه را دوبرابر کرده‌است.

بر اساس گزارش دانشجویان، قیمت غذای سلف کوی به ۶۰ هزار تومان رسیده‌است. این درحالی است که قیمت غذای آزاد رستوران کوی در این حدود قرار دارد.

همچنین پس از اعلام قیمت‌ها، چندتن از دانشجویان در گروه‌های مجازی معترض می‌شوند که در نتیجه آن حراست این افراد را احضار می‌کند! گفته می‌شود آنان تهدید به لغو اسکان شده‌اند! همچنین به این دانشجویان گفته شده که حق اعتراض ندارند!

با تضعیف نهاد مطالبه‌گر شورای صنفی و سرکوب گسترده، دانشجویان از بدیهی‌ترین حقوق خود نیز محروم شده‌اند و دیگر حتی حق «اعتراض» به تصمیماتی که درباره زندگی آنان گرفته می‌شود را نیز ندارند. «مدیرانی» که تمرکز خود را بر روی افزایش درآمد دانشگاه‌ها گذاشته‌اند، راهی سهل‌الوصول برای آن یافته‌اند؛ فروش حقوق دانشجویان!

***بیانیه کانون نویسندگان ایران**

در بیست‌وسومین سالگرد درگذشت احمد شاملو، یاد شاعر بزرگ آزادی را گرامی می‌داریم

«در خلوت روشن با تو گریسته‌ام

برای خاطر زندگان، و در گورستان تاریک با تو خوانده‌ام

زیباترین سرودها را

زیرا که مردگان این سال

عاشق‌ترین زندگان بودند.»

بیست‌وسه سال از درگذشت احمد شاملو (الف. بامداد) شاعر بزرگ آزادی می‌گذرد. شاملو شاعری آگاه و معترض، روشنفکری آزادی‌خواه و ناوابسته به قدرت، روزنامه‌نگاری شجاع، مترجم و فرهنگ‌نویسی چیره‌دست و از اعضای برجسته‌ی کانون نویسندگان ایران بود که در سراسر حیات حرفه‌ای خود هرگز از پیکار بی‌امان با سانسور، جهل و خفقان باز نایستاد.

«ای کاش می‌توانستم/ یک لحظه می‌توانستم ای کاش/ بر شانه‌های خود بنشانم/ این خلق بی‌شمار را/ گرد حباب خاک بگردانم/ تا با دو چشم خویش ببینند که خورشیدشان کجاست/ و باورم کنند.»

حکومت‌های مستبد پهلوی و جمهوری اسلامی همواره احمد شاملو را آماج بدترین اتهام‌ها قرار داده‌اند و با ساخت برنامه‌های تلویزیونی و انتشار متن‌های فرمایشی در نشریات و مجلات زرد کوشیده‌اند جایگاه شاعر را در اذهان عمومی خدشه‌دار کنند. اما این تلاش‌های مذبحانه ثمری نداشته و شعر احمد شاملو، بی‌آن‌که هرگز «رسمی» و «درسی» شده باشد، در متن جامعه جریان یافته است تا رساترین فریاد آزادی‌خواهی مردمان به‌جان‌آمده از تبعیض و ستم و بی‌عدالتی در کوی و برزن شود، چنان‌که در جنبش آزادی‌خواهانه‌ی نیمه‌ی دوم سال گذشته شاهد بودیم: «قصه نیستم که بگویی/ نغمه نیستم که بخوانی/ صدا نیستم که بشنوی/ یا چیزی چنان که ببینی/ یا چیزی چنان که بدانی/ من درد مشترکم مرا فریاد کن.»

این روزها که اخبار مجازات زنان برای حق پوشش آزادانه و اعدام‌ها و خودکشی‌ها در فضای جامعه بیداد می‌کند؛ این روزها که تیرگی فقر «احتضار فضیلت است» و سفره‌های مردم را از هم دریده است؛ این روزها که حاکمیت با سرکوب‌های گسترده‌ی فعالان حوزه‌های گوناگون در شهرها و اخراج و تعلیق و محرومیت از تحصیل در دانشگاه‌ها بذر نومیدی در جامعه می‌پراکند، او را به یاد می‌آوریم:

«احساس می‌کنم/ در بدترین دقایق این شام مرگ‌زای/ چندین هزار چشمه‌ی خورشید/ در دلم/ می‌جوشد از یقین؛

احساس می‌کنم/ در هر کنار و گوشه‌ی این شور‌زار یأس/ چندین هزار جنگل شاداب/ ناگهان/ می‌روید از زمین.»

امسال نیز، با وجود راه‌بندان و بسیج نیروهای امنیتی و انتظامی در سال‌های گذشته، در سالروز درگذشت این شاعر بلندآوازه‌ی آزادی روز دوشنبه دوم مردادماه ۱۴۰۲ ساعت ۵ عصر در گورستان امامزاده طاهر کرج مزار او را گلباران می‌کنیم.

۳۰ تیر ۱۴۰۲

akhbarkargari2468@gmail.com